اخبار

مسکو از پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی حمایت نخواهد کرد

معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد: مسکو از پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی آمریکا و بحرین حمایت نخواهد کرد. «الکساندر آلیموف» معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد: «مسکو نمی‌تواند از پیشنهاد آمریکا و بحرین که در زمان حاضر در دست بررسی است، حمایت کند. ما از هر دو طرف درگیر در تهیه پیش‌نویس قطعنامه می‌خواهیم که آن را پس بگیرند.» بحرین و ایالات متحده پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در شورای امنیت توزیع کرده‌اند که از ایران می‌خواهد حملات در تنگه هرمز را متوقف کند. این قطعنامه به موضوع کارگذاری مین‌های دریایی و اخذ عوارض غیرقانونی از کشتی‌های عبوری اشاره دارد و خواستار توقف این اقدامات شده است. ایران موظف می‌شود مکان‌های احتمالی کارگذاری مین‌های دریایی را افشا کرده و با عملیات پاکسازی آنها همکاری کند.

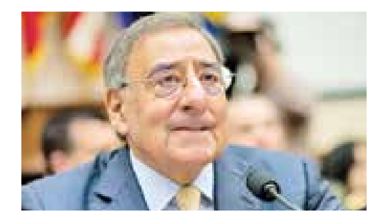

پانه‌تا: ترامپ آمریکا را در موضع مذاکراتی بدی قرار داده است

وزیر دفاع پیشین آمریکا با بیان اینکه اعتماد کردن به دونالد ترامپ در اظهارات او پیرامون خاتمه جنگ غیرقانونی علیه ایران دشوار است، راهبرد نظامی و رویکرد مذاکراتی او را در حل‌وفصل این مسأله زیر سؤال برد.

«لئون پانه‌تا» وزیر دفاع پیشین آمریکا در دولت «باراک اوباما» در گفت‌وگویی با بیان اینکه هدف اصلی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا از آغاز جنگ غیرقانونی علیه ایران «تغییر نظام» بود، بیان کرد که او به این هدف دست نیافت و سپس تلاش کرد برای توجیه این جنگ اهداف دیگری را برای آن، از جمله در زمینه برنامه هسته‌ای ایران یا وجود تهدیدی قریب‌الوقوع از سوی آن علیه آمریکا تعریف کند که نه تنها منطبق با ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا نبود، بلکه تنها آن را پیچیده‌تر کرد. پانه‌تا که سابقاً رئیس سیا بود، در گفت‌وگو با پادکست نشریه پالیتیکو بیان کرد: «این جنگ برخلاف ادعای مقامات دولت ترامپ مبنی بر تحقق تمامی اهداف آن بسیار طولانی شده و دو طرف که از این وضعیت خسته‌اند، تمایل دارند به آن خاتمه دهند.»

به گفته او، دولت آمریکا در زمینه مسأله تنگه هرمز که پیش از جنگ علیه ایران تردد عادی از آن ادامه داشت، «دچار اشتباه محاسباتی» و از بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران غافلگیر شد. این مقام پیشین آمریکا می‌گوید بسته شدن تنگه هرمز و نبود برنامه‌ای از سوی دولت ترامپ برای بازگشایی آن «اهرم فشار بزرگی برای ایران فراهم کرده است.»

در همین حال، پانه‌تا با اشاره مواضع متخاصمانه خود گفت که دولت ترامپ از همان ابتدا باید مخالفت خود را با بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران اعلام کرده و از قدرت نظامی خود استفاده کرده و اقدام به بازگشایی این آبراه می‌کرد. طبق ادعای او، این اقدام به دلیل پیامدهای گسترده بسته ماندن تنگه هرمز در راستای «امنیت ملی» آمریکا بود.

پانه‌تا در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره دیپلماسی تهران-واشنگتن برای خاتمه جنگ، به پالیتیکو گفت: «رئیس جمهوری هر روز می‌گوید به توافق نزدیک شده‌ایم و روزی دیگر می‌گوید به توافق نزدیک‌تر شده‌ایم، اما این اتفاق نمی‌افتد. به همین دلیل اعتماد کردن به چیزی که او می‌گوید دشوارتر شده است.»

فارین پالیسی: ایران معادلات جنگی آمریکا را برهم زده است

نشریه فارین پالیسی در مطلبی نوشته است که ایران معادلات جنگی آمریکا را برهم زده است. فارین پالیسی در تحلیلی تازه هشدار داده است که جنگ آمریکا علیه ایران در حال تبدیل شدن به یک «جنگ ابدی» است و واشنگتن برای خروج از این وضعیت، ناچار به پذیرش واقعیت‌های میدانی خواهد بود.

در این تحلیل آمده است که ایران جنگ را مسأله‌ای حیاتی و مرتبط با موجودیت خود می‌داند و به همین دلیل آمادگی دارد هزینه‌های طولانی‌مدت آن را تحمل کند. در مقابل، آمریکا برخلاف انتظارات اولیه، نتوانسته به پیروزی سریع و قاطعی که مدنظر داشت دست پیدا کند. فارین پالیسی تأکید می‌کند که افزایش قیمت جهانی نفت و گاز، فشارهای اقتصادی داخلی، مخالفت‌ها در کنگره و کاهش حمایت افکار عمومی آمریکا، دولت ترامپ را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. با این حال، سیاستمداران آمریکایی همچنان از پذیرش واقعیت‌های موجود در میدان، از جمله توان مقاومت ایران و محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا، خودداری می‌کنند.

این مقاله تصریح می‌کند تا زمانی که واشنگتن به رویکردی واقع‌بینانه روی نیاورد و همچنان بر سیاست فشار حداکثری و ایده تغییر نظام در ایران پافشاری کند، خروج از این جنگ دشوار و پرهزینه خواهد بود.

«ایران» در گفت‌وگو با داوود آقایی
استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران بررسی کرد

پشت پرده طرح قطعنامه‌های ضد ایرانی در شورای امنیت

حقوق بین‌الملل کنترل ایران بر تنگه هرمز را به رسمیت می‌شناسد

گفت و گو

گروه دیپلماسی- تلاش آمریکا و برخی کشورهای عربی برای تصویب قطعنامه‌ای علیه اقدامات ایران در تنگه هرمز در شرایطی که منطقه همچنان تحت تأثیر پیامدهای تقابل مستقیم واشنگتن و تل‌آویو با تهران قرار دارد، بار دیگر این شاهراه راهبردی را به صحنه‌ای برای رویارویی همزمان حقوق بین‌الملل، امنیت انرژی و رقابت‌های ژئوپلتیکی تبدیل کرده است؛ تقابلی که در آن، جمهوری اسلامی ایران با استناد به حق حاکمیت و ضرورت دفاع از تمامیت ارضی خود، استفاده از ظرفیت‌های راهبردی تنگه هرمز را بخشی از منطق بازدارندگی و پاسخ به «تجاوز آشکار» می‌داند، در حالی که آمریکا و متحدان عرب آن در تلاشی واهی می‌کوشند با ثبت و تثبیت روایت خود در شورای امنیت، اقدامات کشورمان را به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت کشتیرانی و نظم بین‌المللی معرفی کنند و به عنوان بخشی از راهبرد گسترده‌تر اعمال فشار سیاسی، ایجاد اجماع بین‌المللی و مشروعیت‌سازی حقوقی علیه ایران دنبال نمایند؛ این موضوع در گفت‌وگو با دکتر داوود آقایی، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به تلاش‌های اخیر کشورهای عربی با حمایت ایالات متحده برای طرح موضوع اقدامات ایران در تنگه هرمز در چهارچوب حقوق بین‌الملل، از جمله توزیع پیش‌نویس قطعنامه‌ای از سوی بحرین و آمریکا در شورای امنیت بفرمایید که این روند حقوقی چه اهداف سیاسی و راهبردی را دنبال می‌کند؟

واقعیت این است که ایران در برابر یک تجاوز و جنایت آشکار از سوی آمریکا و اسرائیل قرار گرفت و در چنین شرایطی، مسئولان سیاسی، دفاعی و امنیتی کشور تلاش کردند از موجودیت، حاکمیت و تمامیت ارضی ایران دفاع کنند. با توجه به ابعاد گسترده حملاتی که از نهم اسفند از سوی آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز شد، طبیعی بود که جمهوری اسلامی در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های دفاعی متعارف به ابزارها و اهرم‌های راهبردی خود نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ اهرم‌هایی که یکی از مهم‌ترین آنها تنگه هرمز است.

در این میان، آنچه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد، تغییر نگاه به تنگه هرمز در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بود. همچنین اهمیت راهبردی تنگه هرمز به دلیل عبور بخش قابل توجهی از انرژی جهان- حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز- همواره آن را به یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های ژئوپلتیکی جهان تبدیل کرده است. حتی با وجود تلاش برخی کشورها برای ایجاد مسیرهای جایگزین، این آبراه همچنان نقشی حیاتی در امنیت انرژی جهانی ایفا می‌کند.

از این منظر، طبیعی بود که ایران در واکنش به یک تجاوز نظامی، در نحوه اعمال حاکمیت خود بر این تنگه تجدید نظر کند و از ظرفیت‌های راهبردی آن به‌عنوان بخشی از ابزار بازدارندگی و دفاعی خود بهره بگیرد. بر همین اساس، تلاش‌های اخیر برخی کشورهای عربی با همراهی آمریکا برای طرح پرونده‌های حقوقی و سیاسی علیه ایران را می‌توان تلاشی برای مشروعیت‌زدایی از حق دفاع ایران و محدود کردن ابزارهای بازدارنده تهران در معادلات منطقه‌ای ارزیابی کرد.

از منظر حقوق بین‌الملل حق ایران برای کنترل تنگه هرمز را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

تنگه هرمز به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین شاهراه‌های انرژی و تجارت جهانی از منظر حقوق بین‌الملل و به‌ویژه حقوق دریاها، جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس قواعد حقوق دریاها، آب‌های درون این تنگه بخشی از آب‌های سرزمینی ایران و عمان محسوب می‌شوند و آب‌های سرزمینی نیز در قلمرو حاکمیت دولت‌های ساحلی قرار دارند.

از این رو، تنگه هرمز یک منطقه فاقد حاکمیت نیست بلکه آبراهی است که کنترل و نظارت بر آن در چهارچوب حقوق بین‌الملل در اختیار ایران و عمان قرار دارد.

با توجه به این واقعیت حقوقی، طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که خود را در معرض تجاوز گسترده و آشکار از سوی آمریکا و برخی کشورهای همراه آن می‌داند، از ظرفیت‌های حاکمیتی و راهبردی خود در تنگه هرمز به‌عنوان یک اهرم فشار استفاده کند. چنان که در منطق روابط بین‌الملل، دولت‌ها در زمان تهدیدات امنیتی و نظامی از ابزارهای ژئوپلتیکی و راهبردی خود برای ایجاد بازدارندگی بهره می‌گیرند و تنگه هرمز نیز یکی از مهم‌ترین این ابزارها برای ایران به شمار می‌رود.

از منظر حقوق بین‌الملل و همچنین منطق دفاعی، ایران این حق را برای خود قائل است که در برابر کشورهایی که در تجاوز نظامی علیه آن مشارکت داشته‌اند یا از این تجاوز حمایت کرده‌اند، کنترل و نظارت بیشتری بر این آبراه اعمال کند. در واقع، تهران تلاش دارد از موقعیت ژئوپلتیکی تنگه هرمز به‌عنوان ابزاری برای افزایش هزینه‌های سیاسی و راهبردی طرف‌های متخاصم استفاده کند. بر همین اساس، در نگاه ایران، اعمال کنترل بر تنگه هرمز نه اقدامی خارج از چهارچوب حقوق بین‌الملل، بلکه بخشی از حقوق حاکمیتی و ابزارهای مشروع دفاعی یک دولت در شرایط بحران و تقابل امنیتی محسوب می‌شود.

ایران تا چه اندازه می‌تواند پس از پایان جنگ نیز یک رژیم حقوقی و امنیتی جدید برای تنگه هرمز تعریف و اجرا کند؟ آیا با استناد به حاکمیت خود بر آب‌های سرزمینی تنگه و ضرورت تأمین امنیت این شاهراه راهبردی این حق قابل تجویز خواهد بود؟

از منظر حقوق بین‌الملل و همچنین منطق دفاعی، ایران این حق را برای خود قائل است که در برابر کشورهایی که در تجاوز نظامی علیه آن مشارکت داشته‌اند یا از این تجاوز حمایت کرده‌اند، کنترل و نظارت بیشتری بر این آبراه اعمال کند. در واقع، تهران تلاش دارد از موقعیت ژئوپلتیکی تنگه هرمز به‌عنوان ابزاری برای افزایش هزینه‌های سیاسی و راهبردی طرف‌های متخاصم استفاده کند

از نگاه جمهوری اسلامی ایران، موضوع تنگه هرمز صرفاً به شرایط جنگی محدود نمی‌شود و حتی پس از پایان هرگونه درگیری نیز تهران می‌تواند برای این آبراه راهبردی، یک رژیم حقوقی و امنیتی خاص طراحی و اعمال کند.

مبنای این نگاه، پیش از هر چیز به جایگاه حقوقی ایران در قبال کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بازمی‌گردد؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته و در نتیجه خود را متعهد به پذیرش کامل همه الزامات و تفاسیر آن نمی‌داند.

ایران پیش‌تر نیز مواضع خود را به جامعه بین‌المللی و نهادهای مرتبط با کنوانسیون حقوق دریاها که مقر آن در بن آلمان قرار دارد، اعلام کرده و تأکید داشته است که در شرایط صلح، قواعد مربوط به آزادی عبور و مرور کشتی‌ها را رعایت می‌کند اما در شرایط جنگی و در مواجهه با دولت‌های متخاصم، قواعد و ملاحظات امنیتی متفاوتی را اعمال خواهد کرد.

بر همین اساس، از منظر ایران، شرایط جنگ و تهدیدات امنیتی می‌تواند مبنایی برای بازتعریف نحوه اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز باشد.

در واقع، تهران معتقد است در برابر کشورهایی که در تجاوز نظامی علیه ایران نقش داشته یا از چنین اقداماتی حمایت کرده‌اند، حق دارد از ظرفیت‌های ژئوپلتیکی و حاکمیتی خود در این آبراه استفاده کند.

از این منظر، برای اولین بار است که جمهوری اسلامی ایران به صورت آشکار از تنگه هرمز به عنوان یک اهرم فشار علیه دولت‌های متخاصم بهره می‌گیرد؛ ابزاری که نه‌تنها در دوران بحران و جنگ، بلکه حتی در دوران پساجنگ نیز می‌تواند بخشی از معادلات بازدارندگی و امنیت منطقه‌ای ایران باقی بماند.

اهمیت این رویکرد از آنجا ناشی می‌شود که بخش قابل توجهی از آب‌های تنگه هرمز در محدوده آب‌های سرزمینی ایران قرار دارد و از منظر حقوق بین‌الملل، آب‌های سرزمینی تحت حاکمیت دولت ساحلی هستند.

بنابراین، ایران این حق را برای خود قائل است که به منظور تأمین امنیت، کنترل‌ها و مقررات لازم را بر این آبراه اعمال کند.

در نگاه تهران، امنیت تنگه هرمز و امنیت عبور و مرور انرژی جهانی هزینه‌بر است و کشوری که مسئولیت اصلی تأمین این امنیت را بر عهده دارد، می‌تواند قواعد و سازوکارهایی را برای مدیریت این مسیر و حتی دریافت هزینه‌های مرتبط با خدمات امنیتی تعریف کند.

بر همین مبنا ایران استدلال می‌کند که اعمال مقررات کنترلی جدید در تنگه هرمز نه اقدامی خارج از چهارچوب حقوق بین‌الملل که بخشی از حقوق طبیعی و حاکمیتی یک دولت ساحلی برای حفاظت از امنیت ملی و منافع راهبردی خود است.

این رویکرد همچنین نشان‌دهنده تلاش ایران برای تبدیل موقعیت ژئوپلتیکی تنگه هرمز به یک ابزار مؤثر در موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی است که می‌تواند در آینده، نه فقط در عرصه نظامی و امنیتی که در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

برش

با توجه به اینکه احتمال می‌رود چین و روسیه هرگونه قطعنامه ضدایرانی در شورای امنیت را وتو کنند، هدف اصلی آمریکا و برخی کشورهای عربی از ارائه و توزیع چنین پیش‌نویس‌هایی چیست؟

واقعیت این است که طراحان چنین قطعنامه‌هایی، صرف‌نظر از اینکه در نهایت به تصویب برسند یا با وتوی چین و روسیه مواجه شوند، اهداف سیاسی و دیپلماتیک مشخصی را دنبال می‌کنند. آمریکا و برخی کشورهای عربی از طریق ارائه و تنظیم این‌گونه پیش‌نویس‌ها تلاش می‌کنند مواضع و روایت مد نظر خود را در چهارچوب رسمی سازمان ملل متحد ثبت و تثبیت کنند.

در واقع، حتی اگر قطعنامه‌ای به نتیجه نهایی نرسد، نفس طرح آن می‌تواند به عنوان یک سند سیاسی و حقوقی در ساختار سازمان ملل باقی بماند و این پیام را منتقل کند که گروهی از کشورها اقدامات ایران را به چالش کشیده‌اند و خواستار برخورد با آن شده‌اند. از سوی دیگر، این اقدام بخشی از راهبرد اعمال فشار سیاسی و روانی بر ایران نیز محسوب می‌شود.

طراحان قطعنامه تلاش می‌کنند فضای بین‌المللی را به سمتی هدایت کنند که ایران در موضع دفاعی قرار گیرد و هزینه‌های سیاسی اقداماتش افزایش یابد. در چنین شرایطی، حتی وتوی احتمالی چین و روسیه نیز لزوماً به معنای شکست کامل این ابتکارها نیست؛ زیرا هدف اصلی می‌تواند ایجاد فضایی از فشار، برجسته‌سازی اختلافات و شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی علیه ایران باشد.

علاوه بر این، طرح چنین قطعنامه‌هایی کارکرد دیگری نیز دارد و آن، ایجاد همبستگی سیاسی میان کشورهای همسو با آمریکا و ارزیابی میزان همراهی اعضای شورای امنیت با سیاست فشار علیه ایران است. شورای امنیت، به عنوان نهادی که اعضای آن نماینده طیف متنوعی از کشورهای جهان هستند، به محلی برای سنجش سطح اجماع بین‌المللی تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، آمریکا و متحدانش از طریق طرح این قطعنامه‌ها می‌کوشند ارزیابی کنند که تا چه اندازه می‌توانند حمایت سیاسی و دیپلماتیک سایر کشورها را برای افزایش فشار بر ایران جلب کنند و آیا امکان شکل‌گیری یک اجماع گسترده‌تر علیه تهران وجود دارد یا خیر.

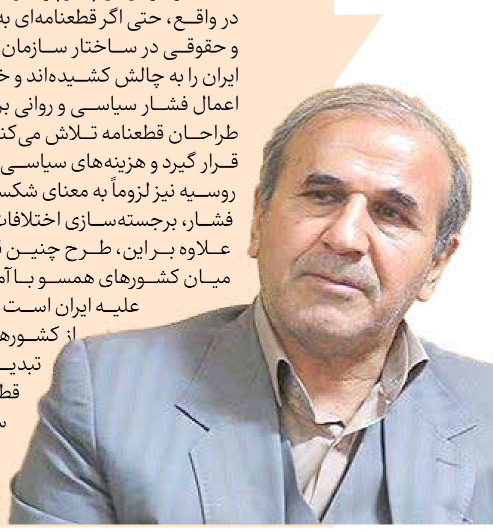

واکنش وزیر امور خارجه ایران به افزایش تنش در خلیج فارس:

توقف تجاوزات شرط لازم برای پیشبرد روند دیپلماتیک است

امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت از آنها خواست اقدامات غیرقانونی آمریکا، از جمله محاصره دریایی علیه ایران را به‌صراحت و بدون ابهام محکوم کنند

گزارش

وزیر خارجه کشورمان در ادامه بالا گرفتن تجاوزات نظامی آمریکا در خلیج فارس اعلام کرد که اقدامات اخیر نیروهای آمریکایی در منطقه و نقض‌های مکرر آتش‌بس، تردیدها نسبت به انگیزه‌ها و جدیت واشنگتن در مسیر دیپلماسی را به شکل قابل توجهی افزایش داده است.

این موضع‌گیری هم زمان با تماس تلفنی سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه با «هاکان فیدان»، همتای ترکیه‌ای او مطرح شد که در آن تحولات اخیر منطقه و پیامدهای آن بر روند مذاکرات دیپلماتیک محور اصلی گفت‌وگوها بود. تنش‌ها زمانی شدت گرفت که آخر هفته گذشته، گزارش‌هایی از حملات نیروهای آمریکایی به قایق‌های ماهیگیری و باری و همچنین تأسیسات غیرنظامی در برخی بنادر جنوبی ایران منتشر شد؛ حملاتی که از سوی تهران به‌عنوان اقداماتی تحریک‌آمیز و مغایر با اصول آتش‌بس ارزیابی شد. در واکنش به این تحرکات، نیروی دریایی ایران نیز اقدام به انجام حملات دفاعی کرد و فضای امنیتی در آبراه‌های جنوبی کشور وارد مرحله تازه‌ای شد.

در انتظار پاسخ تهران

این درگیری‌های دریایی در شرایطی رخ می‌دهد که واشنگتن در انتظار پاسخ ایران به آخرین پیشنهاد خود برای پایان دادن به جنگ، بازگشایی تنگه هرمز و اعمال محدودیت بر برنامه هسته‌ای مورد مناقشه تهران است. پیشتر اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره واکنش ایران به طرح پیشنهادی آمریکا اظهار کرد که این موضوع همچنان در دست بررسی است و هر زمان جمع‌بندی نهایی حاصل شود، نتیجه آن به صورت رسمی اعلام خواهد شد. او افزوده بود که ایران روندهای خود را بر اساس منافع و تصمیمات مستقل دنبال می‌کند و به ضرب الاجل‌ها توجهی ندارد.

با این حال، فضای سیاسی و امنیتی منطقه به‌سرعت تحت تأثیر اقدامات خصمانه آمریکا قرار گرفته است.

عراقچی در گفت‌وگو با وزیر خارجه ترکیه با اشاره به تحرکات ماجراجویانه اخیر آمریکا در خلیج فارس و برخی لفاظی‌های سخیف و موهن مقامات ارشد آمریکایی تأکید کرد که رویکرد واشنگتن موجب تضعیف روند دیپلماسی و تعمیق بی‌اعتمادی در افکار عمومی ایران نسبت به نیت طرف مقابل شده است. او همچنین توقف تجاوزات غیرقانونی و رویکردهای زیاده‌خواهانه آمریکا را شرط لازم برای پیشبرد هرگونه روند دیپلماتیک دانست. امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت از آنها خواست اقدامات غیرقانونی آمریکا، از جمله محاصره دریایی علیه ایران را به‌صراحت و بدون ابهام محکوم کنند.

وزارت امور خارجه ایران نیز با انتشار بیانیه‌ای با تأکید بر آمادگی نیروهای مسلح برای دفاع از تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی کشور نسبت به پیامدهای بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی و سازمان ملل در قبال «یاغی‌گری و قانون‌شکنی» آمریکا هشدار داد.

سازمان ملل خواستار خویشتنداری شد

در پی تبادل آتش اخیر میان ایران و آمریکا در آب‌های حساس تنگه هرمز، سازمان ملل متحد نیز نسبت به تشدید تنش‌ها ابراز نگرانی کرد. «فرحان حق»، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در جمع خبرنگاران اعلام کرد که این نهاد بین‌المللی از گزارش‌های مربوط به درگیری‌های اخیر در منطقه نگران است و این وضعیت را لحظه‌ای حساس برای کاهش تنش‌ها توصیف کرد. او با تأکید بر ضرورت جلوگیری از گسترش بحران افزود که دبیرکل سازمان ملل از همه طرف‌ها می‌خواهد حداکثر خویشتنداری را به خرج دهند تا از تشدید بیشتر اوضاع جلوگیری شود. به گفته او، این سازمان بر پایبندی کامل همه طرف‌ها به آتش‌بس تأکید دارد و خواستار پرهیز از هرگونه اقدامی است که می‌تواند بار دیگر به افزایش تنش‌ها در منطقه منجر شود. «فرحان حق» همچنین اشاره کرد که تلاش‌های دیپلماتیک برای بازگشایی تنگه هرمز در شرایط درگیری‌های تازه همچنان ادامه دارد و رایزنی‌هایی در این زمینه در جریان است. او توضیح داد که «خورخه موریرا داسیلوا»، رئیس دفتر خدمات پروژه‌های سازمان ملل با کشورهای منطقه وارد گفت‌وگو شده و در نیویورک نیز از جمله با نماینده دائم ایران در سازمان ملل مذاکراتی انجام داده که از تلاش‌های پشت‌پرده برای جلوگیری از گسترش بحران به سطحی فراگیرتر حکایت می‌کند.

با وجود این تلاش‌ها، فضای حاکم بر خلیج فارس همچنان شکننده و پرتنش باقی مانده است که در آن، هر اقدام نظامی یا سیاسی می‌تواند مسیر تحولات را به‌سرعت تغییر و آینده دیپلماسی را تحت تأثیر قرار دهد.